

## توزیع درآمد روستایی و اثرات آن بر مهاجرت‌های روستا شهری در ایران سید محمدرضا مهدویان، مرضیه اسفندیاری<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر ضمن بررسی نظریه‌های مهاجرت روستا شهری، با به‌کارگیری رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته و با استفاده از داده‌های استانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵، اثرات توزیع درآمد روستایی بر مهاجرت را مورد بررسی قرار داده است. متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه شامل ضریب جینی، نرخ باسوادی، تعداد خانه‌های بهداشت، میزان تولید ناخالص داخلی سرانه، ارزش افزوده بخش کشاورزی و متغیر دامی (برای پرداخت نقدی یارانه‌ها) می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رابطه ضریب جینی و مهاجرت مثبت است، به طوری که با یک درصد افزایش در میزان ضریب جینی، مهاجرت از روستا به شهر ۰/۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین متغیرهای سرانه تولید ناخالص داخلی، آموزش، سلامت در مناطق روستایی اثر کاهشی بر میزان مهاجرت داشته‌اند. به طوری که با افزایش یک درصدی در میزان سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ باسوادی و تعداد خانه‌های بهداشت، به ترتیب شاهد کاهش ۰/۷، ۰/۳۷، ۰/۰۵ درصدی در میزان مهاجرت خواهیم بود. رابطه میان ارزش افزوده بخش کشاورزی و مهاجرت مثبت است و به ازای یک درصد افزایش در ارزش افزوده بخش کشاورزی، میزان مهاجرت روستا شهری ۰/۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. به منظور بهبود توزیع درآمد مناطق روستایی، ایجاد ساختار مناسب برای مدیریت هماهنگ توسعه روستایی، بهبود شاخص‌های توسعه روستایی، اولویت‌بندی خدمات روستایی بر اساس شرایط منطقه‌ای، حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی برای ایجاد مهاجرت معکوس (از شهر به روستا)، باید در اولویت قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، ضریب جینی، آموزش، بهداشت، گشتاور تعمیم‌یافته

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل، استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان  
Email: [sm.mahdavian@yahoo.com](mailto:sm.mahdavian@yahoo.com), [m.esfandiari@eco.usb.ac.ir](mailto:m.esfandiari@eco.usb.ac.ir)

## مقدمه

موضوع مهاجرت‌های روستایی همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصاددانان بوده است. این پدیده یک پدیده اجتماعی-اقتصادی است که نتیجه مجموعه‌ای پیچیده از عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی است. فرآیند مهاجرت نه تنها بر حجم و رشد جمعیت یک جامعه اثر می‌گذارد، بلکه تغییراتی قابل ملاحظه در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه جوانان بیشتر از هر گروه سنی دیگر تن به مهاجرت می‌دهند، این موضوع در بلندمدت برای جوامع روستایی حائز اهمیت خواهد بود؛ چراکه با مهاجرت آنان، تولید نسل در جوامع روستایی کاهش یافته و به دنبال آن جمعیت پویا در روستاها کاهش می‌یابد و از تولید محصول و اقتصاد روستایی نیز کاسته می‌شود. امروزه با توجه به اینکه سهم جمعیت شهری و روستایی برعکس شده است و نسبت قابل توجهی از جمعیت شهرها را مهاجرین روستایی تشکیل می‌دهند، می‌توان به اهمیت موضوع مهاجرت‌های روستا شهری پی برد؛ یعنی مهاجرت جمعیتی که تا ۳ دهه قبل جزو جمعیت مولد کشور به حساب می‌آمد، اکنون به صورت خیل عظیم افراد مشغول به کار هستند یا در مشاغل کاذبی مانند دست‌فروشی و واسطه‌گری مشغول می‌باشند.

از طرفی دیگر وجود نابرابری گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش دامنه آن منجر می‌شود، چراکه با فرض هر سطحی از رشد اقتصادی، نابرابری بالا در توزیع درآمد باعث ایجاد شکاف بیشتر در طبقات جامعه و گسترش فقر می‌شود. این عامل می‌تواند به آن دلیل باشد که سهم اندکی از منابع به دست آمده به اقشار محروم و طبقات پایین درآمدی می‌رسد؛ بعلاوه سطوح بالای نابرابری در توزیع درآمد، توالی رشد اقتصادی و به تبع آن فرآیند کاهش نابرابری توزیع درآمد را کند می‌کند. نابرابری بالا در توزیع درآمد، مزایای حاصل از رشد اقتصادی را تنها به گروه‌های ثروتمند جامعه تخصیص داده و مانع از دسترسی افراد فقیر به مزایای حاصل از رشد اقتصادی می‌شود. لذا به دلایل متعددی ارزیابی نابرابری توزیع درآمد در جامعه و کمی نمودن آن و شناسایی عوامل و ریشه‌های افزایش‌دهنده و راهکارهای کاهش آن مرکز توجه اقتصاددانانی است که به مسائل عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار توجه دارند (Jalali, ۲۰۰۸). نتیجه نهایی مهاجرت‌های روستا شهری، چیزی جز نابودی و از دست دادن بخش مهمی از تولید ملی نخواهد بود. مضافاً اینکه در زمینه محیط زیستی هم خسران‌های جبران‌ناپذیری بر کشور وارد می‌شود. در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، مهاجرت از روستا به شهر در زمره مهم‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌آید. این مهاجران هم در مبدأ و هم در مقصد دچار مشکلاتی از جمله: بروز نابسامانی‌های متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری، بیکاری و کم‌کاری، کمبود فضاهای زیستی و آموزشی، آلودگی هوا و محیط‌زیست، سالخوردگی و زنا نه شدن نیروی کار در بخش کشاورزی، تخلیه روستاها و ... را به وجود می‌آورند (Ghasemi Ardahaei, ۲۰۰۶).

رشد جمعیت در ایران با توزیع نامتوازن جمعیت در سطح ملی همراه بوده است. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، طی سال‌های (۱۳۷۵-۱۳۸۵) مجموعاً ۱۲,۱۴۸,۱۴۸ نفر وارد کشور شده یا در داخل کشور جابه‌جا شده‌اند که از این تعداد، ۸۹۹,۷۰۹ نفر (۷۴/۱) درصد به نقاط شهری و ۳,۱۴۸,۴۳۹ نفر (۲۵/۹) به نقاط روستایی وارد شده‌اند (Statistical Center of Iran, ۲۰۰۷). در سرشماری ۱۳۹۰ طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۹۰)، مجموعاً ۵,۵۳۴,۶۶۶ نفر وارد کشور شده یا در داخل کشور جابه‌جا شده‌اند. از مجموع کل مهاجران، ۴,۳۰۲,۰۸۶ نفر (۷۷/۷) درصد به نقاط شهری و ۱,۲۳۲,۵۸۰ نفر (۲۲/۳) به نقاط روستایی وارد شده‌اند. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن، طی سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۹۰)، ۳۲۵۹۰۴۰ نفر (۶۴ درصد) از شهر به شهر، ۶۵۵,۲۵۱ نفر (۱۲/۹ درصد) از روستا به شهر، ۳۶۸,۷۰۸ نفر (۷/۲ درصد) از روستا به روستا و ۷۵۵,۵۴۶ نفر (۱۲/۹ درصد) از شهر به روستا مهاجرت کرده‌اند (Khodamoradi et al., ۲۰۱۳). همچنین در سرشماری ۱۳۹۵ طی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۹۵)، مجموعاً ۴,۳۰۰,۹۸۸ نفر وارد کشور شده یا در داخل کشور جابه‌جا شده‌اند. از مجموع کل مهاجران، ۳,۵۶۴,۷۳۵ نفر (۸۲/۸) درصد به نقاط شهری و ۷۳۶,۲۵۳ نفر (۱۸/۲) به نقاط روستایی وارد شده‌اند. طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، طی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۹۵)، ۲,۹۴۶,۷۶۴ نفر (۶۸/۵ درصد) از شهر به شهر، ۶۱۷,۹۷۱ نفر (۱۴/۳۶ درصد) از روستا به شهر، ۲۱۲,۹۲۳ نفر (۴/۹۵ درصد) از روستا به روستا و ۵۲۳,۳۳۰ نفر (۱۲/۱ درصد) از شهر به روستا مهاجرت کرده‌اند (Statistical Center of Iran, ۲۰۱۶).

آمارهای فوق نشان از آن دارد که درصد زیادی از مهاجرت‌ها به مناطق شهری انجام می‌شود. پایین بودن سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی موجب دفع و رانش جمعیت از این مناطق و جذب و کشش جمعیت به مناطق شهری شده است. مهاجرت‌ها یکی از عوامل برانگیزاننده رشد جمعیت شهری بوده و مهاجران اغلب به قصد استقرار در نقاط شهری به ویژه در شهرهای بزرگ به این اقدام دست می‌زنند. تأثیر مهاجرت‌ها بر رشد جمعیت شهری در کشورهای عقب‌مانده به مراتب بیش از کشورهای توسعه‌یافته است. مطالعه علت مهاجرت در سرشماری ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که بعد از پیروی از خانوار، دستیابی به مسکن مناسب و جستجوی کار برای مردان مهم‌ترین علت‌های مهاجرت محسوب می‌شوند و چون اکثریت مردان سرپرست خانوار هستند، خانوار نیز به تبعیت از آنان اقدام به مهاجرت می‌کند؛ بنابراین همین مسئله باعث دامن زدن به مشکل مسکن و اشتغال و تشدید نیازهای این دو بخش در مقصد خواهد شد (Khodamoradi et al., ۲۰۱۳). از طرفی مطابق با آمار مرکز آمار ایران، میزان شهرنشینی از ۷۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۷۹/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. رشد شهرنشینی تابعی از چهار فرایند مهاجرت، رشد طبیعی جمعیت، تغییر تعریف شهر و ادغام روستاهای اقماری و تأسیس شهرهای جدید است؛ بنابراین منشأ جمعیت شهرنشین تنها ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهرها نیست، بلکه ناشی از مهاجرت روستانشینان به شهرها است. علل عمده مهاجرت روستائیان به شهرها، علاوه بر جاذبه‌های شهرنشینی و رشد اشتغال صنعتی در شهرها، کمبود کار و فقر عمومی روستانشینان، ترجیح دادن مشاغل صنعتی با دستمزد بالا بر کشاورزی،

امید به آینده بهتر برای خود و فرزندان و توزیع نامناسب امکانات رفاهی شهر و روستا است (Naghdi, ۲۰۱۰). حال با این سؤال مواجه می‌شویم که چه عواملی موجب تحریک جریان مهاجرت از مناطق روستایی استان‌های ایران به مناطق شهری می‌گردد؟ بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جریان مهاجرت روستا شهری در ایران خواهیم پرداخت که به تناسب نتایج، می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی متناسب با شرایط کشور برای کاهش مهاجرت و حفظ زندگی روستایی ارائه نمود.

مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در داخل کشور یکی از اساسی‌ترین عواملی است که سیاست‌گذاران اقتصادی-اجتماعی جامعه برای کنترل و جهت دادن به جابه‌جایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب-های اقتصادی به آن توجه دارند. افراد اغلب با هدف رفع نیازهای موجود و برخورداری از شرایط مناسب‌تر برای زندگی اقدام به مهاجرت می‌کنند. صرف‌نظر از علت مهاجرت، این پدیده اغلب تأثیر بسزایی بر تعداد و ساختار جمعیت مناطق مختلف کشور دارد. مهاجرت جمعیت ابعاد مختلفی دارد. مهاجران داخلی در چارچوب‌های تقسیم-بندی‌های سرزمینی (نظیر مهاجران داخل یک شهرستان، مهاجران بین شهرستان‌های یک استان و مهاجران بین استان‌های مختلف و ...) و یا بر حسب نوع سکونتگاه (مانند مهاجران از شهر به شهر، از شهر به روستا، روستا به شهر و از روستا به روستا) مشخص می‌شوند (Statistical Center of Iran, ۲۰۱۴). مهاجرت یک پدیده اقتصادی-اجتماعی است که نتیجه مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی است. فرایند مهاجرت امری پیچیده است که نه تنها حجم و رشد جمعیت یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می‌کند. مهاجرت از دیرباز به عنوان یک عامل مؤثر بر حجم نیروی کار، توزیع نیروی کار برحسب مهارت، آموزش، تخصص و اشتغال، فرصت‌های شغلی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید بوده است. مهاجرت همچنین عاملی است که پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی بر مبدأ و مقصد مهاجرت داشته است. مهاجرت همواره یک جزء مهم شهرنشینی، توسعه اقتصادی، تغییرات اجتماعی و سازمان سیاسی بوده است. که با تغییر پایگاه، شغل و موقعیت مکانی فرد نیز مرتبط است (Khodamoradi et al., ۲۰۱۳).

مطالعات زیادی در زمینه تأثیر مهاجرت بر توزیع درآمد به تفکیک مناطق شهری و روستایی انجام شده است. وجه تمایز مطالعه حاضر بررسی تأثیر مهاجرت بر توزیع درآمد مناطق روستایی به تفکیک استان‌های کشور است. Papi (۱۹۸۷) و Yazdi and Fadaei طی مطالعات خود در استان خراسان، مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی را بر شمرده و مهم‌ترین علت‌های مهاجرت روستا شهری را مسئله افزایش جمعیت و در نتیجه آن، کمبود زمین و عدم اشتغال در روستاها دانسته‌اند. (Taherkhani ۲۰۰۲) به بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین پرداخت. تجزیه و تحلیل‌های تجربی نشان می‌دهند که اگرچه انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت جوانان روستایی نقش مهمی دارند، عوامل غیراقتصادی نیز اثرات مستقیم بر رفتار آنان می‌گذارند. برای مثال، تسهیلات محلی، رضایت از محل سکونت، رفاه اجتماعی، استانداردهای زندگی، نیاز به پیشرفت، زندگی بهتر و هدف‌های ارزشی به طور معناداری انگیزه مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین را

افزایش داده‌اند. (Daneshvar Kakhaki et al., ۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تأثیر افزایش بهره‌وری کشاورزی بر مهاجرت روستاییان ایران را در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۳ بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شکاف درآمدی میان شهر و روستا باعث افزایش مهاجرت می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از روند مهاجرت می‌کاهد. (Ghasemi Ardahaee, ۲۰۰۶) به بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی در مقطع زمانی ۱۳۵۹-۱۳۸۳ پرداخت. در دیدی کلی، علل تأثیرگذار بر مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران از چهار بعد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، جمعیت شناختی و طبیعی-کشاورزی قابل بررسی است که از این میان، بعد اقتصادی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و پس از آن ابعاد اجتماعی فرهنگی، طبیعی-کشاورزی و جمعیت شناختی قرار دارند. ابعاد فوق برحسب عوامل جاذبه، دافعه، تبعی و شخصی قابل تقسیم‌بندی است که عامل دافعه روستایی بیش از سایر عوامل در مهاجرت روستا شهر مؤثر بوده است و سپس عوامل جاذبه شهری، شخصی و تبعی قرار دارند.

(Ramezani, ۲۰۰۱) مهم‌ترین عامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را مهاجرت دانسته است. از آنجا که اکثر مهاجران را جوانان جویای کار تشکیل می‌دهند، در نتیجه نوعی عدم تعادل (از نظر ساختار سنی) بین جمعیت شاغل در مناطق شهری (قطب مشاغل صنعتی و خدماتی) و مناطق روستایی (قطب مشاغل کشاورزی) پدید آمده است. این عدم تعادل به صورت سالخورده‌تر شدن جمعیت کشاورز و جوان‌تر شدن جمعیت شاغل در بخش‌های صنعت و خدمات جلوه‌گر می‌شود. (Shafiee Kakhaki, ۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه میان مهاجرت و نابرابری درآمدی پرداخت. در این مطالعه با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی به بررسی انگیزه‌های مهاجرت در دو گروه انگیزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی پرداخته شد. نتایج نشان‌دهنده اهمیت عوامل اقتصادی بر مهاجرت است. به عبارتی انگیزه افراد از مهاجرت، ارتقا کیفیت زندگی نیست، بلکه انتقال جمعیت با انگیزه افزایش درآمد رخ داده و ضریب مثبت شاخص نابرابری، نشان می‌دهد که مهاجرت از استان‌های با نابرابری بالاتر بیشتر از استان‌های با نابرابری کمتر است. (Karbasi et al., ۲۰۱۱) به تخمین مهاجرت‌های روستا شهری با به کارگیری رهیافت ARDL پرداختند. نتیجه اینکه با استفاده از داده‌های مربوط به سال ۱۹۵۹-۲۰۰۵ میزان اثر عوامل مختلف بر مهاجرت‌های روستا شهری بررسی شد، افزایش ۱ درصدی در میزان دستمزد روستایی و شهری، ارزش‌افزوده بخش روستایی و نرخ باسوادی مناطق روستایی، به ترتیب موجب کاهش ۰,۲۵ درصدی، افزایش ۰,۳۲ درصدی، کاهش ۰,۱۶ درصدی و افزایش ۰,۳۲ درصدی تعداد مهاجران روستا شهری خواهد شد.

(Azmi et al., ۲۰۱۳) به بررسی چالش‌ها و مشکلات بخش کشاورزی و نقش آن در مهاجرت از روستا به شهر پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقدان صنایع تبدیلی در کاهش درآمد روستاییان نقش اساسی داشته و درآمد پایین کشاورزی در روستاهای منطقه در افزایش مهاجرت به شهر نقش مهمی ایفا می‌کند. (Baniasadi et al., ۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت روستاییان در ایران برای سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۶ پرداختند. آن‌ها با به کارگیری رهیافت سیستم معادلات هم‌زمان، اثرات عوامل مختلف بر مهاجرت روستا

شهری بررسی کردند. نتیجه اینکه، بهبود توزیع درآمد، رشد اقتصادی، افزایش نرخ باسواد، افزایش مخارج عمران دولتی در روستاها، کاهش شکاف دستمزد میان شهر و روستا و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، منجر به کاهش روند مهاجرت‌های روستا شهری خواهد شد.

(۲۰۱۳) Sarvarzadeh et al. به بررسی عوامل مؤثر اقتصادی، اجتماعی و بودجه‌های عمرانی دولت بر مهاجرت روستائیان در ایران طی سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۸۳ با به کارگیری رهیافت خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده پرداختند. نتیجه اینکه افزایش بودجه دولت در زمینه عمرن و نوسازی اثر مثبت بر میزان مهاجرت دارد. همچنین مشخص گردید که بودجه اقتصادی دولت در بخش کشاورزی اثر معناداری بر مهاجرت ندارد.

(۲۰۱۲) Amare et al. طی مقاله‌ای با عنوان مهاجرت‌های روستا شهری و کیفیت اشتغال در کشور تایلند، به بررسی اثرات مهاجرت‌های روستا شهری بر توسعه اقتصادی پرداختند. مطالعه مزبور نشان می‌دهد، مهاجرت موجب رشد درآمد خانوارهای روستایی می‌شود، اما اثر کمی در کاهش نابرابری درآمدی و فقر نسبی در مناطق روستایی داشته است. بیشتر مهاجرین دارای سطح پایین تحصیلات بودند. پیام این مقاله این است که خانوارهای فقیر روستایی، منجر به تولید مهاجرین فقیر می‌شود.

(۲۰۱۶) Ha et al. طی مقاله‌ای به بررسی اثرات مهاجرت‌های روستا-شهری بر نابرابری درآمدی در مناطق روستایی با استفاده از مدل تخمین GMM<sup>۱</sup> پرداختند. با استفاده از داده‌های پانل طی یک دوره ۱۴ ساله از سال ۲۰۱۱-۱۹۹۷ بیش از صد روستا در چین مورد بررسی قرار گرفت و ارتباط پویا به شکل U معکوس میان مهاجرت و نابرابری درآمدی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، مشخص گردید مهاجرت باعث افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد. (۲۰۱۶) Iqbal et al. به بررسی اثرات عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر میزان مهاجرت در پاکستان پرداختند. در این پژوهش مشخص گردید که ۳۰ درصد مهاجرین روستایی برای تحصیلات بالاتر، ۲۹ درصد برای فرصت‌های تجارتي و ۲۶ درصد با انگیزه اشتغال به شهر مهاجرت می‌کنند.

## روش تحقیق

### نظریه‌های مهاجرت

به طور کلی پیرامون عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مهاجرت، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در مورد مهاجرت‌های روستا-شهری کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی، ارتباطی، اداری و غیره مؤثر هستند. علل مهاجرت-های روستا-شهری با انواع مهاجرت متناسب با بیکاری، فقر عمومی، امکانات شهری، کسب پایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، رشد جمعیت و محدودیت کشاورزی، تفاوت درآمدی بین ساکنان شهری و روستایی ارتباط دارد

(Rabani, ۲۰۰۲). علل مهاجرت را نمی‌توان از آثار آنان جدا کرد، چون از یک طرف مهاجرت معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر خود عامل گسترش توسعه نابرابر است. به طور کلی در خصوص مهاجرت‌های روستا-شهری، نظرات گوناگون و متنوعی ارائه گردیده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. قدمت تبیین نظری مهاجرت‌های روستا-شهری به دهه ۱۸۸۰ می‌رسد. زمانی که راونشتاین در سال ۱۸۸۵ مجموعه قوانین مهاجرت را تبیین کرد، سنگ بنای نظریه مدرن مهاجرت توسط وی گذاشته شد. پس از آن اغلب مدل‌های کلاسیک و نئوکلاسیک مهاجرت بر مبنای تشریح و یا تغییر قوانین راونشتاین شکل گرفت (Mears, ۱۹۹۷).

**ارنست جورج راونشتاین**<sup>۱</sup> از نخستین افرادی بود که سعی کرد تا یک تبیین نظری درباره قانون‌مندی‌های مهاجرت روستا-شهری ارائه دهد. وی در مقاله‌ای تحت عنوان قوانین مهاجرت که در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۸۹ در مجله انجمن سلطنتی لندن به چاپ رساند، استدلال کرد که مهاجرت یک امر اتفاقی نیست، بلکه قوانین خاصی بر آن حاکم است و در آن اقتصاد به مثابه عامل اصلی مورد توجه است (Ghasemi Ardahaei et al., ۲۰۰۸). راونشتاین در مجموعه قوانین خود پیرامون مهاجرت، علاوه بر مقیاس و جهت مهاجرت، سیر مهاجرت در ارتباط با فرصت‌ها و محدودیت‌ها را نیز تشریح کرد. قوانین اساسی راونشتاین، به نقطه آغازی برای اکثر مدل‌های مهاجرت تبدیل گشت (Wondimagegnhu, ۲۰۱۲). به طور کلی می‌توان قوانین مهاجرت راونشتاین را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. شدت مهاجرت بین دو نقطه با فاصله آن دو رابطه معکوس دارد (Zanjani, ۱۹۹۴).
۲. در اغلب موارد مهاجرت به صورت مرحله‌ای اتفاق می‌افتد؛ یعنی مهاجرت ابتدا از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد. جهت اصلی مهاجرت از نواحی کشاورزی به مناطق صنعتی و تجاری است (Ravenstein, ۱۸۷۶).
۳. علل عمده مهاجرت‌ها اقتصادی است. قوانین بد یا ظالمانه، مالیات سنگین، عدم جاذبه اقلیمی، شرایط اجتماعی نامساعد و ... جریان‌های مهاجرت را ایجاد می‌کنند (Ravenstein, ۱۸۸۵).
۴. میان تکنولوژی ارتباطات و مهاجرت رابطه وجود دارد، بدین معنی که جریان‌های مهاجرت در طول زمان در نتیجه افزایش جریان امکانات جابجایی و توسعه صنعت و تجارت، ماهیتاً رو به افزایش است. مضافاً اینکه ارتباطات و توسعه آن، شناخت مهاجر از محیط پیرامون خود را افزایش می‌دهد (Zanjani, ۱۹۹۴). مهاجرت ضمن افزایش ظرفیت صنایع، عامل توسعه تجارت است و باعث بهبود وضعیت حمل‌ونقل می‌شود (Ravenstein, ۱۸۸۹).

Lewis (۱۹۵۴) مهاجرت را در بطن فرآیندهای توسعه اقتصادی تبیین می‌کند. از نظر وی، در یک اقتصاد دوگانه که از بخش نوین سرمایه‌داری و بخش سنتی معیشتی تشکیل شده باشد، به دلیل آنکه بخش نوین اقتصادی بر پایه بهره‌وری از نیروی کار برای تولید و سپس فروش و تحصیل سود شکل گرفته است در مقابل بخش سنتی معیشتی قرار می‌گیرد که بخشی خود اشتغال بوده و به علت عدم بهره‌گیری اقتصادی از سرمایه و فناوری از بازدهی و بهره‌وری کمتری برخوردار است، به‌گونه‌ای که حتی بازده نیروی کار در آن می‌تواند ناچیز و حتی نزدیک به صفر باشد، وضعیتی که اقتصاددانان از آن به عنوان بیکاری پنهان نام می‌برند (Lewis, ۱۹۵۴). در چنین شرایطی بخش اقتصاد سنتی دارای مازاد نیروی کار است که بازدهی اندکی دارد و بخش اقتصاد نوین نیازمند نیروی کار است تا از بازده اقتصادی آن بهره‌مند شود، از این‌رو انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش نوین اقتصادی به ایجاد ارزش افزوده در بخش سرمایه‌داری منجر شده و با گسترش بخش سرمایه‌داری، نسبت پس‌انداز و سرمایه را به تولید ناخالص ملی افزایش می‌دهد. تا وقتی که چنین وضعیتی ادامه داشته باشد، مهاجرت نیز استمرار می‌یابد و حتی تشدید می‌شود (Zanjani, ۱۹۹۴). به باور آرتور لویس، اگر اکثر کشورهای در حال توسعه، در گذر از دوران صنعتی شدن، بیشتر از پروژه‌های سرمایه‌بر و تکنولوژی بر استفاده کنند، احتیاج به نیروی کار کمتری دارند، در نتیجه میزان بیکاری شهری افزایش یافته و بیشتر نیروی کار مهاجر روستایی، جذب فعالیت‌های ساختمانی که نیاز به تخصص و مهارت ندارد، می‌شوند. در عین حال به علت پایین بودن سطح دستمزدها بین کارگران ساختمانی نسبت به کارگران صنعتی، اختلاف درآمد بین کارگران در مناطق شهری نیز شدت می‌یابد. به عبارتی وی عامل اصلی مهاجرت را تفاوت ساختار اقتصادی مناطق دانسته است (Shafiee Kakhaki, ۲۰۱۱).

Zipf (۱۹۴۶) نظریه جاذبه مهاجرتی را با تأثیر از قانون اول راونشتاین درباره فاصله، مهاجرت و قوانین جاذبه نیوتن مطرح کرد. به باور وی مهاجرت از شهری به شهر دیگر رابطه مستقیمی با تعداد جمعیت آن دو شهر و رابطه معکوسی با فاصله آن‌ها دارد. او نظریه خود را به صورت ذیل بیان داشت:

$$M_{od} = K P_o P_d D_{od}^{-\alpha} \quad (1)$$

که در آن  $M_{od}$  تعداد مهاجران بین دو شهر مبدأ (O) و مقصد  $P_o, P_d, (d)$  و مقصد  $P_o, P_d, (d)$  جمعیت آن‌ها،  $D_{od}$  فاصله بین آن دو شهر و  $K$  و  $\alpha$  ضرایب مثبتی هستند که تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال دیگر قرار دارند. با فرض  $\alpha = 2$  این رابطه قانون جاذبه عمومی را به یاد می‌آورد که با حاصل ضرب جرم دو سیاره و عکس مجذور فاصله آن‌ها  $K \frac{MM'}{d^2}$  تبیین می‌شد. شواهد تجربی زیادی این نظریه را رد یا تأیید کردند. نکته قوت این نظریه، در تغییرپذیر بودن مقادیر  $K$  و  $\alpha$  است که همخوانی این نظریه را با مطالعات تجربی امکان‌پذیر می‌کند (Zipf, ۱۹۴۶).

Harris and Todaro (۱۹۷۰) برای اولین بار مسئله مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر و بیکاری شهری مطرح کردند. مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه با وجود بیکاری شدید و رو به رشد در مناطق شهری در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ همراه شد. مدل درآمد انتظاری مهاجرت در مدل هریس-تودارو، با در نظر



گرفتن عیوب و ضعف‌های بازار کار و ارزیابی احتمال به دست آوردن شغل در مناطق شهری طراحی شد (Wondimagegnhu, ۲۰۱۲). در مدل هریس-تودارو، به منظور تجزیه و تحلیل تأثیر عوامل جاذبه و دافعه، از شاخص‌های درآمدهای انتظاری استفاده شده است که می‌تواند هر دو گروه را در برگیرد (Harris and Todaro, ۱۹۷۰).

Todaro (۱۹۷۱) همانند سایر صاحب‌نظران مهاجرت، درصدد تبیین مهاجرت‌های روستا شهری بوده است. فرض اصلی الگوی تودارو این است که هر مهاجر بالقوه، بر مبنای هدف بیشینه‌سازی (درآمد انتظاری) تصمیم می‌گیرد که به شهر برود یا نه. در این تصمیم‌گیری دو عامل اقتصادی اصولی نقش دارند: اولی به تفاوت واقعی موجود بین دستمزد در شهر و روستا مربوط است که به دلیل مهارت‌های متفاوت و دوره‌های آموزش کارگران به وجود آمده است. در واقع، وجود تبعیض بین دستمزدهای پرداخت شده به کارگران شهری، در مقایسه با دستمزدهای کارگران ماهر روستایی، اصلی همیشگی در تصمیم به مهاجرت تشخیص داده شده است. دومین عنصر اصلی الگوی مزبور و مهم‌ترین قسمت آن که در سایر الگوهای مهاجرت از روستا به شهر نیست، میزان احتمال موفقیت هر مهاجر در به دست آوردن شغل در شهر است. به باور وی، مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه تنها با اختلاف درآمدی واقعی مورد انتظار مهاجر بین شهر و روستا تبیین نمی‌شود، بلکه در این بین عامل مهم دیگری نیز از جمله احتمال کارایی (پیدا کردن شغل) در شهر نیز بر آن مؤثر است (Todaro, ۱۹۷۱). تودارو در محاسبات خود به ابعاد پیچیده این دو عامل، از جمله هزینه مهاجرت، ارجحیت زمانی، نرخ تنزیل، ارزش فعلی تنزیل شده درآمد مورد انتظار و احتمال اشتغال در بخش‌های نوین اقتصادی توجه داشته و معتقد است که به رغم بالا بودن بیکاری در شهرها، احتمال یافتن شغل در این بخش، مهاجرت از روستا به شهر را برمی‌انگیزد و در صورتی که این امر به افزایش نیروی کار شهری بیش از تعداد مشاغل ایجاد شده منجر شود، باعث افزایش بیکاری شهری می‌شود و مراحل بعدی به رکود مهاجرت از روستا به شهر می‌انجامد (Zanjani, ۱۹۹۴). از جمله عوامل مؤثر اقتصادی بر جریان مهاجرت می‌توان، به مالیات، توسعه صادرات، واردات مواد اولیه، سرمایه‌گذاری عمومی، جهت‌گیری نظام آموزشی، عملکرد بازار کار و ... اشاره نمود (Todaro, ۱۹۷۱).

Lee (۱۹۶۶) مدلی تحت عنوان مدل جاذبه-دافعه را با تأکید بر دو متغیر فاصله و میزان جمعیت بنا کرد که هر دو عامل در قوانین مهاجرتی راونشتاین موجود بود (Wondimagegnhu, ۲۰۱۲). اگرچه لی در ظاهر اصطلاحی برای مدلش در نظر نگرفت، اما به طور معمول از مدل وی تحت عنوان مدل جاذبه و دافعه یاد می‌شود. بسیاری از پژوهشگران عوامل مختلف زیست‌محیطی، جمعیتی و اقتصادی را در قالب مدل جاذبه و دافعه، انگیزه‌ای برای تصمیم‌سازی پیرامون مهاجرت در نظر گرفته‌اند (Lee, ۱۹۶۶. De has, ۲۰۰۷). وی نیروهای مؤثر بر ادراکات فرد مهاجر را به دو دسته (دافع) و (جاذب) تقسیم می‌کند. دسته اول، عوامل (منفی) هستند که می‌خواهند مهاجران را وادار به ترک مناطق خاستگاه کنند. دسته دوم، عواملی (مثبت) می‌باشند که مهاجران را که در انتظار بهبود وضعیت خویش

هستند، به سوی مناطق کوچک‌تر می‌کشانند. این نظریه مهاجرت، وجود امکانات بیش‌تر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط‌زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند (Zanjani, ۱۹۹۴)؛ بنابراین با توجه به این نظریه، ویژگی‌های شخصی مهاجران از جمله سن، جنس، تحصیلات، اشتغال، وضعیت تأهل، همبستگی‌های خانوادگی و عواملی از این دست را نیز باید از عوامل مؤثر بر مهاجرت به شمار آورد.

(Oberai and Bilsborrow, ۱۹۸۴) با در نظر گرفتن نظریات مختلف در حوزه مهاجرت، علل مهاجرت را در پنج گروه خلاصه کردند. مهاجرت‌های روستایی از حوزه‌هایی که در آن‌ها فرصت‌های شغلی کمتری وجود دارد به طرف حوزه‌هایی که دارای امکانات شغلی بیشتری است صورت می‌گیرد. در صورتی که اختلاف درآمد شهر و روستا زیاد باشد، مهاجرت به شهر به ویژه به شهرهای بزرگ انجام می‌شود. همه مردم، در دوره کارایی عمر خود (سن میان‌سالی) آرزومند هستند به حداکثر درآمد دست یابند و مهاجران روستایی در این سنین به امید دست یافتن به حداکثر درآمد، به شهرها مهاجرت می‌کنند. تسلط مدل دوگانه اقتصادی (بخش جدید و بخش معیشتی) بدون ارتباط با هم سبب مهاجرت‌های روستایی می‌شود. عوامل دفع در روستاها و عوامل جذب در شهرها، مهاجرت‌های روستایی را شتاب می‌بخشد. در بخش معیشتی امکان جذب نیروی کار تازه وجود ندارد، در حالی که بخش‌های جدید اقتصادی شهر، هر روز طالب نیروی کار تازه‌ای است (Shokoei, ۱۹۹۴. Oberai & Bilsborrow, ۱۹۸۴).

(Sjaastad, ۱۹۶۲) یکی دیگر از تئوری‌های مطرح شده پیرامون مهاجرت روستا شهری را مطرح ساخت که به نظریه سرمایه انسانی و یا تئوری هزینه-فایده نیز شهرت یافته است. نظریه فوق از دیدگاه برخی از تحلیل‌گران برای مطالعه مهاجرت نیروی انسانی متخصص، بسیار مناسب شناخته شد (Sjaastad, ۱۹۶۲). این تئوری با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی ماهر و متخصص برای کسب دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد؛ بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (Ghasemi Ardahaei & Hosseini Rad, ۲۰۰۸).

تصمیم‌سازی برای مهاجرت داخلی در تئوری شاستاد، به صورت مدل زیر ارائه گردیده است:

$$NPVM_{i,j,0} = \sum_{t=1}^T \frac{(B_j - B_i)}{(1+r)^t} - \sum_{t=1}^T \frac{(C_j - C_i)}{(1+r)^t} \quad (4)$$

$i$  مکان مبدأ،  $j$  مکان مقصد،  $B$  منافع حاصل از مهاجرت،  $C$  هزینه،  $r$  نرخ تنزیل و  $T$  دوره طول عمر می‌باشد. طبق چارچوب فرمول فوق، اگر ارزش فعلی سود حاصل از مهاجرت از هزینه‌های ناشی از مهاجرت بیشتر باشد، فرد یا خانواده تصمیم به مهاجرت می‌گیرد (Sjaastad, ۱۹۶۲).

(Katz and Stark, ۱۹۸۶) اولین بار نظریه محرومیت نسبی را در ارتباط با مهاجرت مطرح ساخت. مطابق با این تئوری، رفاه و خشنودی خانوار نه تنها از افزایش در وضعیت صرف اقتصادی ناشی می‌شود، بلکه همچنین از طریق مقایسه با دیگر خانوارها در اجتماع مرجع صورت می‌گیرد؛ یعنی این‌که خانوارها نه تنها در جهت بهتر شدن درآمدشان فعالیت می‌کنند، بلکه می‌خواهند درآمدشان را نسبت به درآمد دیگران در اجتماع ترفیع دهند. گرچه خانوارها اگر درآمدشان پایین باشد به مهاجرت برانگیخته می‌شوند ولی اگر سطح درآمد در همه جا پایین باشد سطح انگیزش کاهش خواهد یافت. اگر برخی خانوارها درآمد بیشتری داشته باشند، خانوار فقیر، هم به طور نسبی و هم به طور مطلق احساس محرومیت کرده و انگیزه به مهاجرت به همان نسبت بالاتر خواهد رفت (Katz and Stark, ۱۹۸۶).

(Ranis and Fei, ۱۹۶۱) بیان کردند که مهاجرت از روستاها به شهرها جز لاینفک فرایند توسعه اقتصادی می‌باشد. به گونه‌ای که برخی از اقتصاددانان، توسعه اقتصادی را معادل انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به صنعت تعریف می‌نمایند (Daneshvar Kakhaki, ۲۰۰۶). به طور خلاصه این مدل فرض می‌کند که اقتصاد در حال توسعه، از دو بخش نسبتاً مستقل از یکدیگر تشکیل شده است. یکی کشاورزی- معیشتی است که میزان بیکاری در آن بالا می‌باشد و تولید نهایی نیروی کار صفر یا نزدیک به صفر است و کارگران مزدی برابر با معیشت خود دریافت می‌کنند. دیگری بخش صنعتی مدرن که دارای اشتغال کامل می‌باشد و به خاطر تولید بالا در بخش صنعتی، دستمزدها نیز بسیار بالا می‌باشد. با وجود چنین تفاوت‌هایی در میزان دستمزد و اشتغال در بخش سنتی و مدرن، مهاجرت به عنوان یک مکانیسم متعادل‌کننده در نظر گرفته می‌شود که از طریق این فرایند، نیروی کار اضافی یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود (Azkia, ۱۹۹۵).

(Bogue, ۱۹۷۷) مجموعه عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری به مهاجرت را در چهار گروه کلی شامل عوامل مؤثر مربوط به مبدأ مهاجرت، عوامل مؤثر مربوط به مقصد مهاجرت، عوامل و ویژگی‌های فردی مهاجران و موانع عمده مهاجرت یا عوامل مداخله‌گر طبقه‌بندی نموده است. به عقیده وی شناخت عوامل مثبت و منفی مبدأ و مقصد در شکل‌گیری فرایند مهاجرت‌ها نقش مهمی دارند. مهاجرت نوعی انتخاب و گزینش است. این گزینش ممکن است در مرحله اول به عوامل مثبت در مقصد یا گریز از عوامل منفی در مبدأ پاسخ دهد (Mirzamostafa & Ghasemi, ۲۰۱۳). در واقع بوگ با طرح مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستا-شهری معتقد است دو گروه از عوامل شامل کشش و فشار در مهاجرت‌های روستا-شهری مؤثر هستند. از جمله عوامل کشش (جاذبه‌ها) می‌توان به فرصت‌های شغلی بهتر، فرصت‌های مناسب جهت کسب درآمد بیشتر، شرایط خوب و قابل قبول محیط کار و زندگی چون مسکن و خدمات آموزشی، فرصت‌های مطلوب جهت دستیابی به آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای چون تحصیل در مراکز آموزشی را در بر می‌گیرد که عمدتاً در شهرها متمرکزند اشاره کرد. از جمله عوامل فشار (دفع) که منجر به تقویت جریان مهاجرت از روستا به شهر می‌شود می‌توان به نبود بستر مناسب جهت رشد خلاقیت‌های فردی،

اشتغال و ...، بروز حوادث طبیعی چون سیل و خشکسالی و کاهش منابع مالی و کم‌توجهی به بخش کشاورزی و در نتیجه محدودیت‌های شغلی در این بخش اشاره کرد (Jalalian & Mohammadi Yegane, ۲۰۰۷).

## ضریب جینی

یکی از متداول‌ترین روش‌ها در تحلیل توزیع درآمد و نابرابری روش لورنز است. توزیع لورنز نشان می‌دهد که چند درصد از کم‌درآمدترین افراد جامعه، چند درصد از درآمد کل را در اختیار دارند. در این توزیع افراد جامعه از کم‌درآمدترین به پردرآمدترین مرتب شده و سپس سهم هر کدام از آن‌ها از درآمد کل جامعه تعیین می‌شود. این توزیع درصدهای تراکمی را نشان می‌دهد و مثلاً نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از کم‌درآمدترین افراد جامعه چند درصد از درآمد کل را در اختیار دارند. در این روش هرگاه سهم درآمد تراکمی برابر با سهم جمعیت باشد توزیع درآمد را عادلانه گویند و هر قدر سهم درآمد تراکمی کمتر از سهم جمعیت باشد توزیع از خط برابری کامل دور شده و آن را ناعادلانه گویند که هر چه فاصله این دو مقدار بیشتر باشد توزیع ناعادلانه‌تر است. ضریب جینی متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد است که توسط Gini (۱۹۲۱) برای اندازه‌گیری میزان نابرابری معرفی شده که به لحاظ آماری برابر است با نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه است (Nejadabdollah et al., ۲۰۱۳). به عبارتی دیگر، ضریب جینی عبارت است از نسبت متوسط مجموع قدر مطلق تفاوت بین کلیه جفت درآمدها و حداکثر اندازه ممکن این تفاوت که مقدار آن بین دو حد صفر و یک قرار دارد. ضریب جینی معمولاً از طریق فرمول زیر محاسبه می‌گردد (Gini, ۱۹۲۱):

$$Gini = \frac{0.5 - \sum_{i=1}^n (X_i - X_{i-1}) \left( \frac{Y_i + Y_{i-1}}{2} \right)}{0.5} \quad (5)$$

$$Gini = 1 - \sum_{i=1}^n (X_i - X_{i+1}) (Y_i + Y_{i+1}) \quad (6)$$

$X_i$  درصد تجمعی افراد یا خانوارها در گروه (دهک)  $i$  و  $Y_i$  درصد تجمعی درآمد افراد یا خانوارها در گروه  $i$  و  $n$  تعداد گروه‌ها یا دهک‌های درآمدی است. ضریب جینی موضوع توزیع درآمد را از دریچه عدم عدالت بررسی می‌کند. در حقیقت، این شاخص میزان تمرکز درآمد را اندازه‌گیری می‌کند و بنابراین از آن به عنوان شاخص تمرکز درآمد نیز می‌توان یاد کرد. محاسبات و نتایج کامل ضریب جینی برای مناطق روستایی ایران به تفکیک استان‌ها در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران (Mahdavian & Esfandiari, ۲۰۱۸) آمده گزارش شده است.

## مدل و داده‌های تحقیق

با توجه به نظریه‌های مهاجرت که در قسمت ادبیات موضوع به طور کامل به آن اشاره گردید، به جهت بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی بر میزان مهاجرت‌های روستا شهری، جهت برآورد اولیه مدل از معادله (۷) استفاده خواهد شد. در نهایت با استفاده از رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته، مدلسازی نهایی انجام می‌گردد. در معادله (۷)، میزان مهاجرت‌های روستا شهری ثبت شده در سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ برای مناطق روستایی تمام استان‌های کشور به عنوان متغیر وابسته و از متغیرهای ضریب جینی به عنوان معیار نابرابری توزیع درآمد، تولید ناخالص داخلی سرانه مناطق روستایی کشور، نرخ باسوادی مناطق روستایی، تعداد خانه‌های بهداشت استفاده شده است. تمام متغیرها در حالت لگاریتمی وارد مدل شده است.

$$LMIG = F(Lgini, LpGdp, Lpgdp^1, Lliterate, Lhealth, Lvalue, DUM) \quad (7)$$

برای لحاظ کردن تفاوت میان مناطق روستایی در ایران در استان‌های مختلف، متغیرهای متفاوتی (اقتصادی، اجتماعی) در نظر گرفته شده است. متغیرها شامل، میزان مهاجرت‌های روستا شهری (LMIG)، ضریب جینی (Lgini)، تولید ناخالص سرانه (LpGdp)، مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه (Lpgdp<sup>1</sup>)، نرخ باسوادی مناطق روستایی (LLITERATE)، تعداد خانه‌های بهداشت مناطق روستایی (LHEALTH)، ارزش افزوده بخش کشاورزی (LVALUE) و متغیر (DUM) برای بررسی اثر پرداخت یارانه‌های نقدی بر میزان مهاجرت است. منبع تمامی متغیرها مرکز آمار است. همچنین برای داده‌های مرتبط با شاخص ضریب جینی مناطق روستایی استان‌های ایران از مقاله مهدویان و اسفندیاری<sup>۱</sup> (۱۳۹۷) گرفته شده است. برای رسیدن به اهداف پژوهش از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پویا (GMM) استفاده شده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر محدود به اقتصاد ایران (تمام استان‌های کشور) می‌باشد. داده‌ها به صورت سالانه و ترکیبی (Panel) از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد استفاده قرار گرفته است.

## نتایج و بحث

### آزمون استقلال مقطعی

در اقتصاد سنجی داده‌های پانل، در حالت کلی فرض بر آن است که داده‌های مورد استفاده، استقلال مقطعی دارند. در حالیکه وابستگی مقطعی می‌تواند در اثر عواملی همچون پیامدهای خارجی، ارتباط‌های منطقه‌ای و اقتصادی، وابستگی متقابل اجزای باقیمانده محاسبه نشده و عوامل غیرمعمول مشاهده نشده، در بین مقاطع مختلف وجود داشته باشد (محمدیان منصور و گلخندان، ۱۳۹۵). بنابراین اولین مرحله در اقتصاد سنجی داده‌های پانلی تشخیص وجود استقلال مقطعی داده‌ها می‌باشد. به این منظور آزمون‌های متعددی نظیر بروش و پاگان و CD پسران (CIPS)

<sup>۱</sup> بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران. فصلنامه راهبرد توسعه، (۵۳)، ۱۳۹۷.

ارائه شده است (پسران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). در پژوهش حاضر از روش پسران استفاده شده است. فرضیه صفر در این آزمون وجود وابستگی مقطعی و فرضیه مقابل عدم وجود وابستگی است. با توجه به جدول (۱)، وجود وابستگی مقطعی تأیید شده و دیگر امکان استفاده از آزمون‌های متداول ریشه واحد همچون لوین، لین و چو، ایم، شین و پسران و ... و آزمون‌های همجمعی پدرونی و کائو وجود ندارد.

جدول ۱. آزمون وابستگی مقطعی پسران

وضعیت	احتمال	آماره CD
تأیید وجود وابستگی مقطعی	۰/۰۰	۳۷/۷۲

منبع: محاسبات تحقیق

## آزمون ریشه واحد داده‌های ترکیبی

پیش از برآورد مدل، لازم است که ایستایی (مانایی) متغیرها بررسی شود. بر خلاف آنچه در مورد داده‌های سری زمانی مرسوم است، در مورد داده‌های تابلویی (پانل)، نمی‌توان برای آزمون مانایی از آزمون‌های دیکی-فولر و دیکی-فولر تعمیم‌یافته استفاده نمود، بلکه لازم است به نحوی مانایی جمعی متغیرها آزمون شود. برای الگوهای داده‌های تابلویی نیز مسئله رگرسیون کاذب (جعلی) همانند الگوهای سری زمانی مصداق دارد؛ بنابراین، کاربرد آزمون ریشه واحد همگرایی در الگوهای داده‌های تابلویی برای تضمین صحت و اعتبار نتایج ضروری و لازم است که آزمون ریشه واحد برای تک‌تک متغیرهای وابسته و مستقل از پسماند الگو صورت می‌گیرد تا از عدم وجود ریشه واحد اطمینان حاصل شود (Rajabzadeh Moghani et al., ۲۰۱۵). در ادبیات ریشه واحد داده‌های ترکیبی آزمون‌های مختلفی مانند لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین وجود دارد که در مقاله حاضر با توجه به وجود وابستگی مقطعی نمی‌توان از آن‌ها استفاده کرد، بنابراین از آزمون ریشه واحد CADF پسران استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر عدم وجود ریشه واحد و مانایی است.

پسران CADF جدول ۲. نتایج آزمون‌های ریشه واحد

متغیر	توضیح متغیر	آماره	احتمال	وضعیت
LMIG	مهاجرت	۹/۱۳	۱/۰۰	وجود ریشه واحد
LGINI	ضریب جینی	۱/۸۲	۰/۹۶	وجود ریشه واحد

<sup>۱</sup> Pesaran

عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰۷	-۲/۴۴	تولید ناخالص داخلی سرانه	LPGDP
عدم وجود ریشه واحد	۰/۰۰	-۲/۳۵	مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه	LGDP <sup>۲</sup>
وجود ریشه واحد	۰/۸۱	۰/۸۹	ارزش افزوده بخش کشاورزی	LVA
وجود ریشه واحد	۱/۰۰	۶/۵۵	نرخ باسواد	LLIT
عدم وجود ریشه واحد	۰۰/۰	-۳/۲۹	شاخص سلامت	LHE

منبع: محاسبات تحقیق

## هم انباشتگی داده‌های ترکیبی

در تحلیل‌های هم جمعی (هم انباشتگی) در داده‌های پانل وجود روابط بلندمدت اقتصادی آزمون می‌شوند. مسئله مهم در تجزیه و تحلیل هم انباشتگی آن است که علیرغم نامانا بودن متغیرها، یک ترکیب خطی استاتیک از این متغیرها مانا و بدون روند تصادفی باشد. اگر متغیرها نامانا باشند، مرحله بعدی تخمین درجه انباشتگی سری‌ها (مقاطع) در داده‌های پانل با استفاده از تکنیک‌های هم جمعی پانل است. تجزیه و تحلیل هم انباشتگی به ما کمک می‌کند که روابط بلندمدت تعادلی میان متغیرها را آزمون و برآورد کنیم. با فرض صحیح بودن یک نظریه اقتصادی، مجموعه‌ای از متغیرهای به کار گرفته شده در مدل مذکور، می‌توانند دارای یک رابطه بلندمدت تعادلی باشند، به علاوه، تئوری اقتصادی تنها روابط را به صورت استاتیک (بلندمدت) تصریح کرده و اطلاعاتی پیرامون پویایی‌های (روابط کوتاه‌مدت) کوتاه‌مدت میان متغیرها به دست نمی‌دهد. در صورت اعتبار تئوری، این انتظار وجود دارد که علیرغم نامانا بودن متغیرها، یک ترکیب خطی استاتیک از این متغیرها مانا و بدون روند تصادفی باشد. در غیر این صورت، اعتبار نظریه مورد نظر، زیر سؤال می‌رود. به همین منظور از هم انباشتگی به جهت آزمون نظریه‌های اقتصادی و تخمین پارامترهای بلندمدت استفاده می‌شود (Enders, ۲۰۰۴). برای بررسی وجود هم جمعی در داده‌های پانل چندین آزمون مانند آزمون کائو، آزمون پدرونی و آزمون فیشر وجود دارد. با توجه به وجود وابستگی مقطعی و عدم امکان استفاده از روش‌های معمول هم انباشتگی، از آزمون وسترلوند<sup>۱</sup> جهت بررسی همجمعی استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون عدم وجود هم انباشتگی است که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده و با توجه به میزان احتمال، فرض صفر رد شده و در نتیجه هم انباشتگی تأیید می‌شود.

### جدول ۳: نتایج آزمون هم جمعی وسترلوند

نسبت واریانس	آماره	احتمال
	۵/۷	۰/۰۰

<sup>۱</sup> Westerlund

منبع: محاسبات تحقیق

## رهیافت گشتاور تعمیم یافته

به منظور تخمین مدل از روش گشتاور تعمیم یافته استفاده شده است. این روش زمانی استفاده می شود که خودهمبستگی موقتی بین جملات اخلاص در مدل وجود داشته یا متغیر وابسته به شدت سازگار باشد. هنگامی که وقفه متغیر وابسته در مدل وجود داشته باشد، استفاده از روش پانل پویا استفاده کنیم. استفاده از روش پانل پویا مزیت هایی دارد که از جمله آن می توان به دو مورد مهم لحاظ خودهمبستگی موقتی در باقیمانده ها و کاهش امکان رگرسیون کاذب که می تواند به استنباط آماری نادرست و ناسازگار در مدل های آماری منجر شود، اشاره کرد. روش گشتاور تعمیم یافته مزایایی شامل حل مشکل درون زنا بودن متغیرهای توضیحی، افزایش بعد زمانی متغیرها و حذف متغیرهای ثابت در طی زمان را دارا است (Greene, 2008. Baltagi, 2008).

دو روش برای برآورد مدل در شیوه GMM پانل دیتای پویا وجود دارد. مبنای اولیه مدل های GMM پویا توسط آرلانو-بلاند (1991) مطرح شد که روش GMM تفاضلی مرتبه اول نامیده می شود. در سال 1995 آرلانو-باور و سال 1998 بلوندل-بوند با ارائه تغییراتی در روش GMM تفاضلی مرتبه اول، روش GMM سیستمی را ارائه کردند. برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته برای برآورد مدل، دو آزمون به شرح زیر مطرح است:

1. آزمون سارگان: این آزمون برای اثبات شرط اعتبار تشخیص بیش از حد، یعنی صحت و اعتبار متغیرهای ابزاری به کار می رود. فرضیه صفر این آزمون حاکی از اعتبار ابزارها یا به عبارتی، عدم همبستگی اجزا اخلاص با متغیرهای ابزاری است.
2. آزمون همبستگی پسماندها مرتبه اول (AR(1)) و مرتبه دوم (AR(2)): این آزمون برای بررسی اعتبار و صحت متغیرهای ابزاری به کار می رود. بدین منظور آزمون آرلانو-باند برای فرآیند خود توضیح مرتبه اول در تفاضلات مرتبه اول صورت می گیرد که فرضیه صفر آن مبنی بر عدم خودهمبستگی پسماندهای تفاضلی است. عدم رد فرضیه صفر در آزمون مزبور، به معنای نبود همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها می باشد (Nadiri & Mohammadi, 2011).

## نتایج تخمین مدل

در پژوهش حاضر جهت بررسی اثرات متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته از رهیافت GMM سیستمی و نرم افزار Stata 14 استفاده شده است. نتایج احصا شده از تخمین مدل گشتاور تعمیم یافته سیستمی پژوهش حاضر در جدول (4) ارائه گردیده است. مطابق با نتایج، رابطه تمامی متغیرهای توضیحی و متغیر وابسته معنادار است. رابطه ضریب جینی و مهاجرت مثبت است، به طوری که با یک درصد افزایش در میزان ضریب جینی، مهاجرت از روستا به شهر



۰/۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. متغیرهای سرانه تولید ناخالص داخلی، آموزش و سلامت اثر کاهشی بر میزان مهاجرت داشته‌اند. به طوری که با افزایش یک درصدی در میزان سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ باسوادی و تعداد خانه‌های بهداشت، به ترتیب شاهد کاهش ۰/۷، ۰/۳۷ و ۰/۰۵ درصدی در میزان مهاجرت خواهیم بود. رابطه میان ارزش افزوده بخش کشاورزی و مهاجرت مثبت است و به ازای یک درصد افزایش در ارزش افزوده بخش کشاورزی، میزان مهاجرت روستا شهری ۰/۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. جهت بررسی اثر تولید ناخالص داخلی سرانه در بلندمدت، مجذور آن نیز وارد مدل شد و مشخص گردید که علامت ضریب آن مثبت است؛ یعنی در بلندمدت با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، میزان مهاجرت افزایش می‌یابد که در بخش نتیجه‌گیری به تفصیل به توضیح آن خواهیم پرداخت. همچنین متغیر دامی که برای بررسی اثر پرداخت یارانه‌های نقدی بر میزان مهاجرت در مدل در نظر گرفته شده است، اثری منفی و معنادار بر میزان مهاجرت داشته است. این نتیجه نشان از آن دارد که پرداخت یارانه‌های نقدی در کوتاه‌مدت اثر مثبت داشته و مهاجرت را کاهش داده است.

جدول ۴: برآورد مدل

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره	احتمال
Lmig(-۱)	۱/۰۹	۰/۰۰۸	۱۳۰/۵	۰/۰۰
Lgini	۰/۱۲	۰/۰۰۸	۱۵/۰۶	۰/۰۰
Lpgdp	-۰/۷	۰/۰۸	-۸/۳	۰/۰۰
LGDP*	۰/۰۲	۰/۰۰۳	۵/۵	۰/۰۰
Lvalue	۰/۱۵	۰/۰۱	۲۱/۲	۰/۰۰
Lliterate	-۰/۳۷	۰/۰۵	-۶/۶	۰/۰۰
Lhealth	-۰/۰۵	۰/۰۲	-۲/۵	۰/۰۱
Dummy	-۰/۰۸	۰/۰۰۲	-۲۹/۶	۰/۰۰
		آزمون سارگان	Prob = ۰/۴۲	Chi <sup>2</sup> = ۲۹/۸
آزمون همبستگی مرتبه اول و دوم پسماندها				
احتمال	آماره	آزمون		
۰/۰۰	-۲/۹۶	AR(۱)		
۰/۱	۱/۶	AR(۲)		

### منبع: محاسبات تحقیق

جهت بررسی اعتبار ماتریس ابزارها از آزمون سارگان استفاده شده است. فرضیه صفر در این آزمون، عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص است. مقدار احتمال آماره آزمون سارگان (۰/۴۲) است، بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود. فرضیه صفر در آزمون همبستگی مرتبه اول وجود خودهمبستگی و در آزمون همبستگی مرتبه دوم، عدم وجود خودهمبستگی است؛ بنابراین باید میزان احتمال برای مرتبه اول کمتر از ۰/۰۵ و برای مرتبه دوم بیشتر از ۰/۰۵ باشد. این بدان معنا است که ابزارهای مورد استفاده در مدل فوق از اعتبار لازم برخوردارند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر مهاجرت روستا شهری با به‌کارگیری داده‌های استانی ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ و با استفاده از رهیافت گشتاورهای تعمیم‌یافته انجام شده است. مهاجرت-های روستا شهری به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای ضریب جینی، تحصیلات، سلامت، ارزش‌افزوده بخش کشاورزی، تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گرفت. همچنین به دلیل پرداخت نقدی یارانه و تأثیر آن بر توزیع درآمد متغیر دامی نیز اضافه شده و رابطه به صورت پویا برآورد شده است. رابطه ضریب جینی و مهاجرت مثبت و معنادار است. این نتیجه با مطالعات (Amare et al., 2013) و (Baniasadi et al., 2013) هم راستا می‌باشد. نتیجه فوق بدان معنا است که می‌توان نابرابری توزیع درآمد را یکی از عوامل ایجاد انگیزه برای مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری قلمداد کرد. میزان ضریب جینی مناطق روستایی ایران از ۰/۳۵ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۳۴ در سال ۱۳۹۵ کاهش پیدا کرده است (Mahdavian & Esfandiari, 2018). در همین مدت، میزان مهاجرت روستا شهری از ۱۲/۹ درصد به ۱۴/۳ درصد در آخرین سرشماری رسمی کشور (۱۳۹۵) رسیده است. به عبارتی با کاهش نابرابری توزیع درآمد، میزان مهاجرت افزایش یافته است. این مسئله به وضوح نشان از آن دارد که صرف بهبود وضعیت درآمدی نمی‌توان انتظار داشت که انگیزه مهاجرت خانوار روستایی به مناطق شهری کم شود. عدم توجه به وضعیت درآمدی و توزیع عادلانه آن در مناطق روستایی به شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی مناطق شهری منجر شده و حتی نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری را دامن می‌زند؛ بنابراین باید سیاست‌هایی مدنظر قرار گیرد که علاوه بر کنترل مهاجرت، بهبود توزیع درآمد را نتیجه دهد. در راستای بهبود توزیع درآمد مناطق روستایی، ایجاد ساختار مناسب فرا بخشی برای مدیریت هماهنگ توسعه روستایی و عشایری، ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین، اولویت‌بندی خدمات روستایی بر اساس شرایط منطقه‌ای و محلی، حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی، حمایت از صندوق‌های محلی قرض‌الحسنه و اعتبارات خرد روستایی و عشایری و صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس (از شهر به روستا)، باید در اولویت قرار گیرند.

رابطه تولید ناخالص داخلی سرانه و مجذور آن با مهاجرت به ترتیب منفی و مثبت است. این نتیجه نشان از آن دارد که درآمدها پایدار نبوده و پس از دوره کوتاه‌مدت که درآمد منجر به کاهش مهاجرت شده، در بلندمدت منجر به افزایش مهاجرت می‌گردد. تولید ناخالص داخلی سرانه (بدون نفت) از ۶۳،۰۷۲ میلیون ریال در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۳،۹۱۸ میلیون ریال در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارتی در طی ۵ سال میزان افزایش درآمد سرانه فقط ۱/۴ برابر شده است. این مقدار در کنار تجمیع و تمرکز امکانات در مناطق شهری و وجود فرصت‌های بیشتر اشتغال و

کسب درآمد در مناطق شهری، در نهایت خانوار روستایی علی‌الخصوص جوانان روستا که ریسک‌پذیری بالاتری دارند را، به مناطق شهری می‌کشاند. این مسئله به نوعی خود را در آمار میزان شهرنشینی نشان داده است. میزان شهرنشینی از ۷۲/۵ درصد در سرشماری سال ۱۳۹۰ به میزان قابل توجه ۷۹/۹ درصد در سرشماری سال ۱۳۹۵ رسیده است. بی‌شک یکی از عوامل افزایش میزان شهرنشینی مسئله تخلیه روستا و مهاجرت روستاییان به مناطق شهری بوده است. مهاجری که به شهر وارد می‌شود، به علت نداشتن مهارت‌های مورد نیاز جامعه شهری، در مشاغل کاذب و سطح پایین جذب می‌شود و نیروی کار روستایی به علت نیازی که به کار دارد، کار را می‌پذیرد و به این ترتیب از یک فقر بیرون آمده و وارد فقری دیگر می‌گردد. از طرفی به علت بالا بودن هزینه‌های زندگی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، در نهایت منجر به حاشیه‌نشینی می‌گردد؛ بنابراین مشخص می‌گردد که توزیع درآمد صرفاً پس از تحقق رشد و توسعه اقتصادی پایدار می‌تواند مفهوم کاربردی داشته باشد. اگرچه در جوامع در-حال توسعه همواره مورد نظر قرار گرفته، اما هیچ‌گاه برنامه مدونی برای آن ارائه نشده است؛ بنابراین ضروری است سیاست‌هایی برای افزایش درآمد، تولید و اشتغال پایدار روستایی از طریق استقرار صنایع مکمل و تبدیلی بخش کشاورزی صورت گیرد. همچنین باید توجه شود که سیاست‌های بهبود توزیع درآمد بدون توجه و کنترل سایر متغیرهای تأثیرگذار همچون اشتغال، امکانات آموزشی، بهداشتی و تفریحی، اهداف مورد انتظار سیاست‌گذار را محقق نخواهد کرد. در نهایت باید به این مهم اشاره کرد که ظرفیت‌های اقتصاد روستا و بخش گردشگری با توجه به مزایای بی‌شمار آن (از جمله این‌که هزینه سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای مربوط به گردشگری نسبت به سایر صنایع کمتر است) باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد تا ضمن ایجاد اشتغال و منابع درآمدی پایدار، رهایی از وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز صورت پذیرد.

رابطه ارزش افزوده بخش کشاورزی و مهاجرت معنادار و مثبت است. طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵، میزان ارزش افزوده بخش کشاورزی تنها ۶/۳ درصد رشد یافته است. از طرفی از آنجا که اغلب خانوارهای روستایی پرجمعیت هستند، ماهانه مبلغ قابل توجهی یارانه نقدی دریافت می‌کنند. این مسئله ضمن منجر شدن به بهبود وضعیت درآمدی، انگیزه‌های تولید را نیز کاهش می‌دهد، چراکه در مقایسه با فعالیت پرمشقتی چون کشاورزی، بدون زحمت ماهانه مبلغی به خانوار روستایی تعلق می‌گیرد. یارانه‌های نقدی به تنهایی موجب افزایش یا کاهش مهاجرت نمی‌گردد، بلکه فرهنگ تولید و اشتغال را تحت تأثیر قرار داده است. از سویی دیگر رابطه مثبت ارزش افزوده و مهاجرت نشان از آن دارد که اگر وضعیت درآمدی خانوار روستایی و به طور مشخص کشاورزان بهبود یابد، در عین حال امکانات بهداشتی و درمانی و تحصیلی مناسبی وجود نداشته باشد، در نهایت منجر به مهاجرت می‌گردد. برای این منظور لازم است افزایش تولید و اشتغال در مناطق روستایی با جذب سرمایه و منابع مالی در راستای ایجاد صنایع تبدیلی بخش کشاورزی و گردشگری روستایی و بوم گردی و ایجاد روستاهای کارآفرین در اولویت برنامه ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. ضروری است که به این نکته هم توجه گردد که به واسطه حضور شبکه دلالی در مسیر عرضه و تقاضای

محصولات کشاورزی و قیمت‌گذاری نادرست محصولات کشاورزی، سود کمی نصیب کشاورزان می‌گردد و به این دلیل است که کشاورزان غالباً زندگی مرفهی ندارند؛ بنابراین مقابله با دلالتان و سیاست‌گذاری در جهت بهبود شبکه عرضه محصولات کشاورزی باید در اولویت قرار گیرد. پیرامون مسئله پرداخت یارانه‌های نقدی باید به این نکته نیز توجه کرد که هدف اصلی از پرداخت این مبلغ کاهش فشار ناشی از افزایش قیمت بر خانوارهای کم‌درآمد، کمک به بخش تولید و ایجاد درآمد برای دولت بوده است. قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز به درستی سهم ۲۵ درصدی برای کمک به خانوار، سهم ۲۵ درصدی برای کمک به تولید و سهم ۲۵ درصدی برای دولت در نظر گرفته است. اما متأسفانه از ابتدای پرداخت یارانه نقدی، پرداخت یک مبلغ مساوی به همه مردم نه تنها اهداف اولیه را محقق نکرده، بلکه تبدیل به باری شده که بر دوش دولت سنگینی می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد، پرداخت نقدی یارانه‌ها به تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در مناطق روستایی به ازای افزایش تولید و ایجاد اشتغال صورت گیرد.

رابطه نرخ باسوادی و امکانات بهداشتی و مهاجرت در مطالعه حاضر معنادار و منفی است. این مهم نشان از آن دارد که دو عامل تحصیل و بهداشت (سلامت) تأثیر قابل‌توجهی بر میزان مهاجرت داشته و می‌توانند روند مهاجرت را دچار تغییر کنند. مطابق با آمار، نرخ باسوادی مناطق روستایی از ۷۵/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۷۸/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است که نشان می‌دهد تا نقطه مطلوب فاصله دارد. همچنین در همین مدت، تعداد مراکز بهداشتی درمانی مناطق روستایی از ۲،۹۱۴ واحد در سال ۱۳۹۰ به ۲،۶۹۷ واحد در سال ۱۳۹۵ کاهش پیدا کرده است و تعداد خانه‌های بهداشت فعال از ۱۷،۶۴۹ به ۱۷،۸۵۴ واحد رسیده است که نشان از این دارد عملاً تغییر قابل‌توجهی در تعداد خانه‌های بهداشت فعال رخ نداده است. موارد مورد اشاره نشان از آن دارد که تمرکز امکانات در کلان‌شهرها و عدم توجه به بهبود زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی می‌تواند جمعیت روستایی را به مناطق شهری کشانده که در نهایت عواقب نامطلوب آن گریبان کل کشور را خواهد گرفت. بنابراین پیشنهاد می‌گردد ضمن بررسی مشکلات موجود در زمینه بهداشتی و آموزشی در مناطق روستایی، سرمایه‌گذاری مناسبی در این قسمت صورت پذیرد.

## منابع

Jalali, M. (۲۰۰۸). An Estimation of Gini Coefficient in Iran. Iranian journal of economic research. ۱۲(۳۶): ۱۱۵-۱۳۴. (In Farsi).

Ghasemi Ardahaei, A. (۲۰۰۶). Causes of Rural-Urban Migration in Iran: a Meta Analysis of Theses (During ۱۹۸۰-۲۰۰۴). ۹(۱): ۵۱-۸۰. (In Farsi).

Statistical Center of Iran. (۲۰۰۷). Provincial Immigration (۱۳۷۵-۸۵). Bureau of Population, labor and census.

- Khodamoradi, H., Javidd, N., Danesh, M., and Vajagani, E. (۲۰۱۳). Study of Internal Migration Flows and Comparison of the Properties of Non-Immigrant Immigrants in Iran (during ۱۳۸۵-۱۳۹۰). Statistical Research and Trainning Center.
- Statistical Center of Iran. (۲۰۱۶). Provincial Immigration (۱۳۷۵-۸۵). Bureau of Population, labor and census.
- Naghdi, A., (۲۰۱۰). Immigration and marginalization in Iran. Population. ۱۷(۷۴): ۸۵-۱۰۴. (In Farsi). Statistical Center of Iran. (۲۰۱۴). Domestic Immigration in the County Based on the Population and Housing Census, Deputy Strategic Planning and Control.
- Alibabaei, Y., Jamshidiha, G. (۲۰۰۲). Investigating the Factors Affecting the Return of Afghan Refugees on the Residents of Shohreh Golshahr Mashhad. Social Sciences. ۲۰: ۷۱-۹۰. (In Farsi).
- Rabani, R. (۲۰۰۲). Urban Sociology: Isfahan University and Samt Publications. (In Farsi).
- Mears, R. (۱۹۹۷). Rural-Urban Migration or Urbanization in South Africa. South African Journal of Economics, Vol. ۶۵(۴): ۲۷۵-۲۸۳.
- Ghasemi Ardahaei, A., and Hosseini Rad, A. (۲۰۰۸). Internal migration flows and characteristics of migrants into separate provinces. Statistical Research and Training Center.
- Wondimagegnhu, B. A. (۲۰۱۲). Economic Impact of Rural-Urban Migration on Income and Poverty of Migrant Sending Rural Households: With Evidences from Southern Ethiopia, Ruhr University of Bochum.
- Zanjani, H. (۱۹۹۴). Migration: Samt Publications. (In Farsi).
- Ravenstein E. G. (۱۸۷۶). Census of the British Isles, ۱۸۷۱. Birthplaces and migration. Geographical Magazine. ۳: ۱۷۳-۱۷۷.
- Ravenstein E. G. (۱۸۸۵). The laws of migration. Journal of the Statistical Society of London. ۴۸(۲): ۱۶۷-۲۳۵.
- Ravenstein E. G. (۱۸۸۹). The laws of migration. Journal of the royal statistical society. ۵۲(۲): ۲۴۱-۳۰۵.
- Lewis, W. A. (۱۹۵۴). Economic development with unlimited supplies of labour. The Manchester school, ۲۲(۲), ۱۳۹-۱۹۱.
- Shafiee Kakhaki, M. (۲۰۱۱). Migration, Income Inequality or Quality improvement of life. Applied Economy. ۲(۱): ۸۹-۱۱۲. (In Farsi).
- Zipf G. K. (۱۹۴۶). The hypothesis: on the intercity movement of persons. American sociological review. ۱۱(۶): ۶۷۷-۶۸۶.
- Harris, J. R. and Todaro, M. P. (۱۹۷۰). Migration, unemployment and development: a two-sector analysis. The American economic review, ۶۰(۱): ۱۲۶-۱۴۲.
- Todaro M. P. (۱۹۷۱). Income expectations, rural-urban migration and employment in Africa. Int'l Lab. Rev. ۱۰۴: ۳۸۷.
- Lee E. S. (۱۹۶۶). A theory of migration. Demography. ۳(۱): ۴۷-۵۷.
- De Haas, H. (۲۰۰۷). Remittances, migration and social development. A conceptual review of the literature.
- Oberai, A. S., Bilsborrow, R. E. (۱۹۸۴). Theoretical perspectives on migration.
- Shokoei, H. (۱۹۹۴). New perspectives on urban geography: Samt Publications. (In Farsi).
- Sjaastad L. A. (۱۹۶۲). The costs and returns of human migration. Journal of political Economy. ۷۰(۵, Part ۲): ۸۰-۹۳.
- Katz, E. and O. Stark. (۱۹۸۶). Labor migration and risk aversion in less developed countries. Journal of labor Economics, Vol. ۴(۱): ۱۳۴-۱۴۹.

- Ranis G., and Fei J. C (۱۹۶۱). A theory of economic development. The American economic review: ۵۳۳-۵۶۵.
- Daneshvar Kakhaki, M., Dehghanian GHotabadi, S., Karimkoshte, H, And Golriz Ziaee, Z. (۲۰۰۶). Effects of agricultural productivity increase on rural-urban migration in Iran. Journal of Agricultural Science and Natural Resources. ۱۳(۴): ۱۷۴-۱۸۰. (In Farsi).
- Azkiya, M. (۱۹۹۵). Sociology of development and underdevelopment of the rural community in Iran: Information Publications. (In Farsi).
- Bogue, D. J. (۱۹۷۷). A Migrant's-Eye View of the Costs and Benefits of Migration to a Metropolis. In Internal Migration. ۱۶۷-۱۸۲.
- Mirzamostafa, M., Ghasemi, P. (۲۰۱۳). Investigating Factors Affecting Interprovincial Migration by Using Gravity Models. Fiscal and Economic Policies. ۱(۳):۷۱-۹۶. (In Farsi).
- Jalalian, H. and Mohammadi Yegane, B. (۲۰۰۷). Analysis of effective geographical factors on rural migration of Zanjan County from ۱۹۷۶ to ۱۹۹۶. Geographical research, ۳۹(۶۱): ۸۹-۹۹. (In Farsi).
- Nejadabdollah, M., Mohtashami, G., Yaghoobi, M. (۲۰۱۳). Indicators of income distribution in Iran. Economic Journal. ۱۳(۹): ۴۹-۶۴.
- Gini, C. (۱۹۲۱). Measurement of inequality of incomes. The Economic Journal, ۳۱(۱۲۱): ۱۲۴-۱۲۶.
- Mahdavian, S.M., Esfandiary, M. (۲۰۱۸). Study of income distribution in rural areas of Iran. Development strategy. ۵۳: ۷۹-۱۰۰. (In Farsi).
- Papli Yazdi, M., and Fadaei, A. (۱۹۸۷). Khorasan rural migration, rural sample type Royin mountain valley. Geographical Researches. ۲(۳): ۷۷-۱۲۳. (In Farsi).
- Taherkhani, M. (۲۰۰۲). Identify factors affecting rural-urban migration with emphasis on Qazvin Province rural youth migration. Modarres Human Sciences. ۶(۲): ۴۱-۶۰. (In Farsi).
- Ramezani, M. (۲۰۰۱). Aging population of Iranian agricultural sector (reasons and consequences). Agricultural Economics and Development. ۹(۳۶): ۲۰۷-۲۳۵. (In Farsi).
- Karbasi A., Fahimi, M., and Jahani H. (۲۰۱۱). Estimation of rural-urban migration in Iran (an auto-regressive distributed lag approach). Iranian Journal of Economic Research. ۱۶(۴۶): ۹۷-۱۱۳. (In Farsi).
- Azmi, A., Mirzaee, F., and Shamsi, R. (۲۰۱۳). Challenges and problems of the agricultural sector and its role in migration from rural to urban areas. Journal of Spatial Planning. ۱۷(۲): ۵۵-۷۰. (In Farsi).
- Baniasadi, M., Zare Mehrjouee, M., Varmzyari, K. (۲۰۱۳). Economic factors affecting rural migration in Iran. Journal of Agricultural Economics Research. ۵(۱۷): ۱۸۳-۱۹۶. (In Farsi).
- Sarvarzadeh, K., Mohammadi, H., and Dehbashi, V. (۲۰۱۳). Investigation on Economic, Social Effective Factors and Government Infrastructural Budgets on Rural Migration in Iran. Social Welfare. ۱۳(۴۸): ۳۱۱-۳۲۶. (In Farsi).
- Amare, M., Hohfeld L. Jitsuchon S. and Waibel H (۲۰۱۲) Rural-urban migration and employment quality: A case study from Thailand. Asian Development Review. ۲۹(۱): ۵۷.
- Ha, W., Yi, J., Yun, Y. and Zhang, J. (۲۰۱۶). The dynamic effect of rural-to-urban migration on inequality in source villages: System GMM estimates from rural China. China Economic Review. ۳۷: ۲۷-۳۹.
- Iqbal, M., Baig, A., Hyder, M., Hasnain, R., & Nawaz, N. (۲۰۱۶). Socio-Economic and Cultural Factors Effecting Migration Behavior in District Sargodha, Pakistan. International Journal of Asian Social Science, ۶(۱۲): ۶۷۲-۶۸۲.

- Rajabzadeh Moghani, N., Salimifar, M., Seyed Aghahosseini, M. (۲۰۱۵). The impact of human capital investment on economic growth in the MENA countries, using the dynamic panel data estimated by GMM method. *Research and Planning in Higher Education*. ۲۱(۱): ۱-۱۹. (In Farsi).
- Enders, W. (۲۰۰۴). *Applied Econometric Time Series*, by Walter. *Technometrics*. ۴۶(۲): ۲۶۴-۲۶۵.
- Pedroni, P. (۱۹۹۹). Critical values for cointegration tests in heterogeneous panels with multiple regressors. *Oxford Bulletin of Economics and statistics*, ۶۱(S1), ۶۵۳-۶۷۰.
- Greene, W. H. (۲۰۰۸). *The econometric approach to efficiency analysis. The measurement of productive efficiency and productivity growth* ۱: ۹۲-۲۵۰.
- Baltagi, B. (۲۰۰۸). *Econometric analysis of panel data*, John Wiley & Sons.
- Nadiri, M., and Mohammadi, T. (۲۰۱۱). Investigating the Effect of Institutional Structures on Iran's Economic Growth. *Journal of Economic Modeling*. ۳(۱۵): ۱-۲۴. (In Farsi).
- Banterle, A. and Carraresi, L. (۲۰۰۷) Competitive performance analysis and European Union trade: The case of the prepared swine meat sector *Food Economics, Acta Agricult Scand C*. ۴: ۱۵۹-۱۷۲.
- Brasili, A., Epifani, P. and Helg, R. (۲۰۰۰) On the dynamics of trade patterns, *DE ECONOMIST*. ۲: ۲۳۳-۱۵۷.